

رویارویی ارتش ساسانی با مسلمانان از منظر آثار مورخان اسلامی

حسین مرادی سرخه مهری^۱

لیلا محمدی^۲

چکیده

امپراتوری ساسانی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین دوره‌های تاریخی ایران، با ارتشی قدرتمند و سازمان‌دهی نظامی پیشرفته، بیش از چهار قرن به حفظ مرزها و گسترش قلمرو خود پرداخت. با این حال، این امپراتوری در برابر سپاه مسلمانان دچار شکست شد، شکستی که پیامدهای متعددی در ساختارهای داخلی و خارجی حکومت بود. هدف این پژوهش، بررسی دلایل این شکست از منظر آثار مورخان اسلامی و تحلیل چگونگی تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی و نظامی بر این رویداد سرنوشت‌ساز است. در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بررسی منابع تاریخی و آثار مورخان اسلامی مانند طبری، دینوری، مسعودی، بلاذری و بلعمی، تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که چه عواملی موجب شکست ارتش ساسانی در برابر سپاه مسلمانان شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ورود ارتش ساسانی به منازعات سیاسی داخلی، فساد اداری، ضعف در فرماندهی، و نارضایتی عمومی از نظام طبقاتی و سیاست‌های مذهبی، از مهم‌ترین دلایل فروپاشی این امپراتوری بوده است. علاوه بر این، برتری استراتژی‌های نظامی مسلمانان، که شامل تاکتیک‌های روانی، انسجام عقیدتی و استفاده مؤثر از نیروهای انسانی بود، نقش مؤثری در تضعیف و شکست ارتش ساسانی ایفا کرد. نتیجه‌گیری حاکی از آن است که شکست ساسانیان در برابر مسلمانان، بازتابی از ضعف‌های ساختاری در نظام سیاسی و اجتماعی این امپراتوری بود. پذیرش گسترده اسلام از سوی مردم ایران نیز ناشی از نارضایتی عمومی و استقبال از پیام برابری و عدالت‌محور اسلام بود. این پژوهش نشان می‌دهد که سقوط یک امپراتوری نه صرفاً به عوامل خارجی، بلکه به نبود انسجام داخلی، فساد و نارضایتی مردمی وابسته است. درس تاریخی این رویداد، اهمیت اتحاد اجتماعی، فرماندهی مؤثر و پاسخگویی به نیازهای مردمی را در دوام و بقای حکومت‌ها برجسته می‌کند.

واژگان کلیدی

ارتش ساسانی (۵۴۰ بار)، جنگ، تجهیزات نظامی، اعراب، مسلمانان، مدیریت.

۱. گروه تاریخ ایران باستان، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.

Email: m.moradi9919@iau.ir

۲. گروه تاریخ، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mohammadi-52-history@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۲۷

طرح مسأله

تاریخ ایران همواره صحنه‌ای از فراز و فرودهایی بوده که به دست شاهان، فرماندهان و ملت‌های آن رقم خورده است. در این میان، دوران ساسانی یکی از برجسته‌ترین فصل‌های تاریخ ایران به شمار می‌آید. امپراتوری ساسانی با بیش از چهار قرن سلطه، یکی از مهم‌ترین قدرت‌های جهان محسوب می‌شد و با نظامی‌گری حرفه‌ای و پیوند دین و دولت، توانست ساختاری منسجم و مقتدر را در برابر چالش‌های بی‌شمار به وجود آورد. ارتش ساسانی که از میراث نظامی اشکانیان بهره می‌برد، به عنوان یکی از ستون‌های اصلی این امپراتوری، نه تنها نماد اقتدار نظامی بلکه بازتابی از ساختارهای اجتماعی و سیاسی بود. این ارتش، با آرایش نظامی خاص و تجهیزاتی پیشرفته، در برابر امپراتوری‌های بزرگ همچون روم و قبایل مهاجم آسیای مرکزی ایستادگی کرد و امنیت سرزمین ایران را حفظ نمود.

با این حال، ظهور اسلام و جنگ‌های مسلمانان با ساسانیان، تحولی عمیق در تاریخ این سرزمین ایجاد کرد. شکست ارتش ساسانی در برابر سپاه مسلمانان، نه صرفاً پیامد یک رویارویی نظامی، بلکه نتیجه‌ای از مجموعه‌ای پیچیده از عوامل داخلی و خارجی بود که ساختار امپراتوری ساسانی را دچار فروپاشی کرد. این شکست، اگرچه در نگاه نخست به قدرت نظامی مسلمانان و استراتژی‌های نوآورانه آنان نسبت داده می‌شود، اما با نگاهی عمیق‌تر می‌توان ضعف‌های مدیریتی، تنش‌های داخلی، نارضایتی‌های اجتماعی و فساد سیاسی را نیز از دلایل مهم این واقعه برشمرد.

وسعت جغرافیایی شاهنشاهی ساسانی که از غرب به مرزهای روم و از شرق به آسیای مرکزی گسترده بود، ضرورت وجود ارتشی منظم و قوی را بیش از پیش نمایان می‌ساخت. این ارتش، با استفاده از تاکتیک‌های پیچیده و تجهیزاتی پیشرفته نظیر فیل‌سواران و سواره‌نظام سنگین اسلحه، توانسته بود در بسیاری از نبردها دشمنان خود را به زانو درآورد. اما در دوران پایانی این امپراتوری، ورود ارتش به منازعات سیاسی، فساد در ساختار اداری، و ناتوانی در جلب حمایت اجتماعی، باعث شد که این نیروی عظیم به عاملی برای ضعف تبدیل شود. از سوی دیگر، ظهور اسلام و نیروی تازه‌نفس مسلمانان، که با باورهای مذهبی

عمیق، انگیزه‌های قوی و استراتژی‌های نوآورانه‌ای همچون جنگ روانی و استفاده بهینه از نیروی انسانی همراه بود، معادلات نظامی و سیاسی عصر ساسانی را برهم زد. تاکتیک‌های مسلمانان که بر سرعت عمل، روحیه جهادی و هماهنگی نظامی تکیه داشت، توانست در مقابل ارتش منظم ساسانی موفق ظاهر شود. اما این تنها بخشی از ماجراست؛ ضعف‌های ساختاری و اجتماعی در درون امپراتوری ساسانی نیز به اندازه قدرت مسلمانان در تسریع سقوط این امپراتوری نقش داشت.

توسعه طلبی شاهنشاهی ساسانی و گسترش قلمروهای آن، همراه با تنش‌های درونی و کشمکش‌های قدرت میان شاهان و اشراف، موجب شد این حکومت برای حفظ قدرت و کنترل مرزها، به استفاده از نیروهای کمکی و پشتیبان روی آورد. این رویکرد در کنار دیگر چالش‌های سیاسی و اجتماعی، سبب شد تا ارتش ساسانی در طی چهار قرن به نیرویی توانمند، سازمان‌یافته و آشنا به فنون پیشرفته جنگی تبدیل شود. تاکتیک‌های متنوع، تجهیزات مدرن و استراتژی‌های منحصربه‌فرد، مبنای عملکرد این ارتش قرار گرفت. به مرور زمان، با تلفیق ملیت‌ها و مذاهب مختلف در ساختار ارتش و ایجاد سیستم‌های حمایتی مانند سامانه ترابری منظم، پشتیبانی نظامی، تغذیه و خدمات پزشکی، این ارتش به یکی از قدرتمندترین نیروهای نظامی جهان تبدیل شد؛ به‌طوری‌که حتی رومی‌ها نیز آن را با ماشین جنگی خود برابر می‌دانستند.

با این حال، مؤلفه‌هایی همچون مدیریت سیاسی-نظامی و فرماندهی به‌عنوان اصول بنیادین موفقیت در جنگ، در تاریخ نظامی ساسانی اهمیت بالایی داشته است. به باور استراتژیست‌هایی نظیر سن تزو، فرماندهی یکی از اصول محوری هر جنگ است که شامل مدیریت تکنیک‌های نبرد، سازماندهی سربازان، و برآورد دقیق از توان دشمن و نیروهای خودی می‌شود. با توجه به این نکته، ضعف‌ها و کاستی‌ها در مدیریت فرماندهی و سیاست‌های اطلاعاتی می‌توانند تأثیر مستقیمی بر سرنوشت جنگ‌ها بگذارند (سون تزو، ۱۳۶۴: ۳۲).

در دوره ساسانی، ارتش نه فقط یک نهاد نظامی، بلکه بخشی از ساختار سیاسی و حکومتی به‌شمار می‌رفت که تحت تأثیر تنش‌های داخلی، رقابت‌های اشراف و

سیاست‌گذاری‌های حکومت قرار داشت. این امر موجب شد تا عملکرد ارتش در برابر تهدیدهای خارجی، از جمله رویارویی با سپاه مسلمانان، تحت‌الشعاع این تحولات داخلی قرار گیرد. به‌ویژه در نبردهای این دوره، ضعف در انسجام اجتماعی، مدیریت سیاسی و فرماندهی نظامی به وضوح قابل مشاهده است.

آثار مورخان اسلامی همچون ابی مخنف، طبری، دینوری، بلعمی، ابوعلی مسکویه، یعقوبی و بلاذری به تفصیل به بررسی ابعاد این رویارویی‌ها پرداخته‌اند. آنان به شیوه عملکرد ارتش ساسانی، نقش طبقات مختلف اجتماعی، و تأثیر تحولات ساختاری در شکست ساسانیان اشاره کرده‌اند.

مسئله اصلی این پژوهش بررسی چگونگی تأثیر تحولات ساختاری، سیاسی و اجتماعی بر عملکرد ارتش ساسانی در رویارویی با سپاه مسلمانان است.

۱. مبانی نظری

ارتش یکی از واژگانی است که در دوران معاصر ایجاد شد ارتشتار (ارتشدار) که پیش از آن به معنی سپاهی (لشکری) این رجعت از آنجا ناشی می‌شود که کلمه مرکب فرض شده و جزء دوم کلمه به معنای مالک گرفته شده است (حسن دوست، ۱۳۸۳). به عبارت دیگر ارتش واژه‌ای جدید مأخوذ از واژه ارتشتار از واژه پهلوی ارتیشتر به معنی سپاهی و لشکری گرفته شده و آن نیز از واژه اوستایی رته اشتره به معنی رزمیان اخذ شده است. در زبان فارسی میانه به فرمانده و سرگروه همه جنگاوران، بزرگ ارتشتاران گفته می‌شد، اما این لقب سابقه‌ای کهن‌تر دارد و به عهد هخامنشیان بازمی‌گردد. تاریخچه و عقبه شکل‌گیری ارتش در ایران باستان به دوره مادها می‌رسد. در آن زمان برای دفاع از سرزمین و حفظ انسجام آن و کشورگشایی تمدن‌ها و امپراتوری‌ها نیازمند تشکیلاتی سازمان‌یافته بود و بر همین اساس اولین سازمان حکومتی شکل و قوام یافت، با وجود این با گذشت زمان شکل و حتی نام آن نیز دچار تغییرات و دگرگونی شد. کهن‌ترین و قدیمی‌ترین نامی که برای ارتش در کتیبه‌های دوره‌های باستان به خصوص لوح‌نوشته‌های هخامنشی در بیستون کرمانشاه برجای مانده، اصطلاح سپاده (سپاه) است. آن گونه که از منابع یونانی و همچنین از کتیبه‌ها و الواح گلی و سنگی هخامنشی قابل دسترسی است، ارتش

هخامنشی بسیار سازمان یافته و منسجم بوده است. همانطوری که در مقدمه نیز به صورت کلی اشاره شد سیستم تقسیم بندی این ارتش به صورت ده دهی بوده و به نظر می رسد تا زمان مغول در سپاهیان آسیایی نظیر و همانند نداشته است (فولاد فرد، ۱۳۸۹).

در توضیح ارتش ساسانی باید چنین بیان کرد که پس از اشکانیان، ساسانیان روی کار آمدند و از ۲۴۱ تا ۶۵۲ میلادی در ایران حکومت کردند. مؤسس این سلسله اردشیر ساسانی نام داشت که با غلبه بر آخرین پادشاه اشکانی حکومت ملوک الطوائفی اقوام پارتی را برچیده و با اصلاحات گسترده در زمینه های اجتماعی و نظامی، حکومتی متفاوت را بنیان نهاد. او ارتش بسیار قدرتمندی تدارک دید تا یک اهرم قوی هم در برابر طغیان های داخلی و هم در برابر تهاجمات بیگانگان در اختیار داشته باشد. با اصلاحات اردشیر، ایران به چهار منطقه بزرگ نظامی تقسیم شد و هر منطقه به یک سپاهبذ واگذار گردید. نظامی گری در عصر ساسانیان به قدری اهمیت داشت که یکی از مهم ترین عناصر آموزشی و تربیتی ایرانیان آن دوره از سن پنج تا بیست و چهار سالگی، پرورش قوای جسمی، تیراندازی، سوار کاری و نیزه پرانی بود. با روی کار آمدن انوشیروان، دیگر پادشاه ساسانی، اصلاحات دیگری در امور نظامی ایران رقم خورد. ارتش ایران که تا پیش از انوشیروان تحت فرماندهی سردار بزرگی که «ایران سپاهبذ» نام داشت اداره می شد، به چهار اسپهبد در شمال، جنوب، شرق و غرب ایران واگذار گردید. نیروهای مسلح ایران در دوران ساسانیان به دو دسته سواره نظام و پیاده نظام تقسیم می شدند. سواره نظام که محور اصلی ارتش محسوب می شدند، در صف اول میدان جنگ حاضر بوده و نقش اصلی در پیروزی ها را ایفا می کردند. آن ها به دسته های سواره سبک اسلحه، سواره سنگین اسلحه، سواران ویژه (گارد جاویدان) و فیل سواران طبقه بندی می شدند. پس از سواره نظام، پیادگان اهمیت می یافتند. آن ها مجهز به سپر، نیزه و کلاه خود بودند و برعکس سواره نظام که از اشراف و نجبا بودند، از میان طبقه فرودست جامعه وارد ارتش شده و علاوه بر جنگ در کارهایی چون حفر خندق و احداث خاک ریز نیز به کار گرفته می شدند. آن ها نه تعلیمات نظامی کافی می دیدند و نه از حقوق و پاداش برخوردار بودند. واحدهای بزرگ ارتش ساسانیان را که مجموعه ای از پیاده نظام، سواره نظام و دیگر دسته ها تشکیل می دادند،

«گند ۱» و فرمانده آن را «گند سالار» می‌نامیدند. هر گند مرکب از چند درفش و هر درفش شامل چند وشت می‌شد. ارتش ساسانیان با تمام قدرت و ابهتی که داشت در اثر بی‌کفایتی فرماندهان وقت، تضعیف شد و با ورود اسلام به ایران، منقرض گردید (مقتدر، ۱۳۸۹). وجود دستگاه نظام و نظامی‌گری در همه دولت‌ها و حکومت‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار است. از این رو، بیشتر حکومت‌ها، وجود نیروهای نظامی را برای بقای ملی خود ضروری می‌دانند. داشتن آمادگی نظامی هر حکومتی که در سایه وجود یک نظام قدرتمند به وجود می‌آید، از عناصر اصلی استحکام ملی و استواری و تداوم آن نظام است. حکومت‌های ایرانی از ساسانیان تا پایان علویان به جهت شرایط جغرافیایی و سیاسی، نیاز به یک دستگاه نظامی قوی داشتند و دستگاه اداری ارتش شامل: شاه که فرماندهی و مدیریت کل ارتش ساسانی بوده است و پس از شاه، ایران سپهبد فرماندهی را برعهده داشت. و وظیفه اصلی او دریافت حقوق سپاهیان از خزانه شاهی بود و آنها می‌بایست به شاه سوگند وفاداری می‌خوردند. شخصی به نام «ایران سپاهبد» یا «ارتیشتاران سالار» تا زمان خسرو اول، فرمانده کل سپاه بود. او در اصل وزیر جنگ و فرمانده کل سپاه بود. به علت اهمیتی که این سمت داشت همیشه یکی از افراد خاندان شاهی عهده دار این مقام بود و زیر نظر او همیشه دو فرمانده عالی رتبه یکی برای تنظیم امور قشون و دیگری برای فرماندهی سواره نظام مشغول به کار بودند (اینوسترانسلف، ۱۳۴۸: ۶۵). در ارتش باید انضباط کامل رعایت می‌شد و نافرمانی از امر فرماندهان جزای سختی را در پی داشته است. مجازات‌های نظامیان بیشتر جرائمی مانند خیانت به شاه، سرپیچی، سرکشی و فرار بوده است. خوراک مقوی سربازان در جنگ، ترکیبی از نان و شیر و گوشت بوده و برای کسی که جیره سربازی را به سرقت برده و مجازات بزرگی در نظر می‌گرفتند. حقوق نظامیان زمانی پرداخت می‌شده که در هنگام سان نظامی، ظاهر او و تجهیزات نظامیشان ایرادی نداشته باشد. ساسانیان برای اولین بار از نظام رتبه‌بندی در سلسله مراتب نظامی و مدیریت سیاسی استفاده می‌کردند (نفیسی، ۱۳۸۷: ۴۰). همچنین در این دوران، سپاه بر پایه دستگاه شمارش

۱. «گند»: سپاه یا اردوگاه جنگی است که یکی از واحدهای بزرگ سپاه محسوب می‌شود.

دهدهی گروه بندی می‌شدند. فرمانده سپاه، «سپاهبد» نامیده میشد (زکا، ۱۳۵۰: ۱۷۵). دهه‌ها رده و صدها تهم و فرمانده آن «تهم خوار» خوانده می‌شدند. یگان‌های ۵۰۰ شت و فرمانده آن «نفره» و «شت سالار» نام داشتند. یک یگان ۱۰۰۰ نفره، درفش نام داشت که فرمانده آن «درفش سالار» نامیده می‌شد و یگان ۵۰۰۰ نفری گند نامیده می‌شد که فرمانده آن یک «گند سالار» بوده است (زرین کوب: ۱۳۸۶: ۱۲).

۲. پیشینه پژوهش

جلالی (۱۳۸۲) در پژوهشی به بررسی ارتش، تشکیلات و واحدهای آن در عصر ساسانیان پرداخته و تشکیلات، واحدهای ارتش ساسانی و دلایل تشکیل سپاه منظم را با توجه به منابع مختلف مورد بررسی قرار داده است. هنرمند (۱۳۹۱) در پژوهشی نقش و کارکرد نیروهای کمکی در ارتش حکومت ساسانی را بررسی کرده و نتیجه دربرگیرنده نقش و تاثیرگذاری نیروهای کمکی در ارتش حکومت ساسانیان و دلایل در پیش گرفتن چنین رویکردی بوده است. زرین کوب (۱۳۹۲) در پژوهشی به مطالعه تطبیقی ساختار اجتماعی ایران و قفقاز در دوره‌های اشکانی و ساسانی با تکیه بر منابع تاریخی قفقازی از آثار مورخان ارمنی و گرجی، چون موسی خورنی، پاستوس بوزند، غازار پارپتسی، لئونتی مرولی و داسخورانتسی یاری گرفته و همچنین در کنار بررسی این منابع کوشش نموده تا با بهره‌گیری از منابع همزمان رومی و ایرانی میانه، ساختار جوامع قفقازی با ساختار متناظر ایران پارتی و ساسانی مقایسه شود، تا از این طریق تصویر روشن‌تری از جوامع قفقازی روزگار باستان به دست آید. نتایج این بررسی دربرگیرنده ساختار اجتماعی سرزمین قفقاز در دوره‌های اشکانی و ساسانی مشابه ساختار سه گانه اجتماعی ایران در این دوره‌ها بوده است. ساختاری که از ۳ طبقه فرمانروایان، رزمآوران و کشاورزان تشکیل شده بوده است. حسن پور هفشجانی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی شکست ساسانیان در جنگ ذوقار با تکیه بر نظریه‌های جامعه‌شناسی جنگ پرداخته است و در این پژوهش، نشان داده می‌شود که چگونه ایرانیان با وجود داشتن امپراتوری وسیع و منابع و ارتش حرفه‌ای، در جنگی نابرابر در برابر نیرویی فاقد تجهیزات شکست خورد. این پژوهش با رویکردی جامعه‌شناسی، به دنبال بررسی جنگ‌های ایران و اعراب است و از نظر هدف، جز

پژوهش‌های نظری‌ست و به لحاظ ماهیت و روش کار، در ردیف پژوهش‌های تاریخی قرار می‌گیرد و به روش توصیفی-تحلیلی به نگارش در آمده است.

حسینی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی ساختار ارتش ساسانیان با تاکید بر پدافند عامل و غیرعامل پرداخته و ویژگیهای ارتش ساسانی را از منظر اصول و تاکتیک‌های پدافند عامل و غیر عامل مورد بررسی قرار داده و بر اساس نتایج به دست آمده، ساختار ارتش ساسانی را مبتنی بر تاکتیک‌ها و استراتژی پدافند عامل یا همان جنگ سخت و پدافند غیرعامل یا تدابیر غیرنظامی بازدارنده بوده است. چگنی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی عوامل دینی شکست ساسانیان در مقابل اعراب مسلمان پرداخته و نتایج بیانگر این بوده است که عوامل دینی که در شکست ایرانیان از اعراب مؤثر بود می‌توان به اوضاع و شرایط آشفته عصر ساسانی، نفوذ و قدرت‌گیری روحانیان یا مغان در درباره ساسانی اشاره کرده و اندیشه ایرانشهری، وقوع جنگ‌هایی مانند ذی قار، روحانیون سیاست‌های دینی ساسانیان در مقابل یهودیان و مسیحیان و ظهور دین اسلام، از جمله عوامل دینی و اعتقادی مؤثر در شکست ساسانیان از اعراب را به شمار آورده است.

رمضانی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی به بررسی ادوات و ساختار ارتش ایران از ابتدای حکومت ساسانیان تا پایان حکومت علویان پرداخته و این نوشتار به دنبال پاسخ به این سؤال بوده است که وضعیت ساختار و ادوات ارتش ایران از ساسانیان تا پایان علویان چگونه بوده است؟ و نتایج بیانگر این بوده که با توجه به تداوم و استمرار روش نظامی از ساسانیان به دوره اسلامی ارتش ایران در طول این دوره به یک نهاد مؤثر و تطابق یافته تبدیل شده و نقش بارزی در امور نظامی و حفظ امنیت داشته است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش اصلی در این رساله با توجه به ماهیت نظری بودن آن، روشی تاریخی و به شیوه توصیفی-تحلیلی رایج در علوم انسانی و مطالعات تاریخی می‌باشد. شیوه و ابزار جمع‌آوری مطالب بررسی مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از منابع تاریخی است.

۴. سؤالات پژوهش

- ۱- عوامل شکل‌گیری ارتش دوره ساسانی با توجه به آثار مورخان اسلامی چگونه است ؟
- ۲- ساختار و ابزار ارتش در دوره ساسانی در مقابل اعراب با توجه به آثار مورخان اسلامی کدام است ؟
- ۳- دلایل شکست ارتش ساسانی در مقابل اعراب با توجه به آثار مورخان اسلامی کدام است ؟

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. عوامل شکل‌گیری ارتش ساسانی

هر ملتی در تاریخ بشر به دلایل مختلفی نیاز به نیروهای نظامی داشته است. نحوه تعریف این عوامل موثر در سازماندهی، تجهیزات و نحوه استفاده از امکانات را مشخص می‌کند. نیروهای نظامی در تمامی دوره‌ها عامل اصلی به قدرت رسیدن گروهی خاص در هر کشور هستند. مهمترین وظیفه آنان، حمایت از خاندان پادشاه در مقابل تهدیدات و خطرات بود. به عبارت دیگر، مشروعیت دستگاه حکومتی به قدرت سیاسی و نظامی ارتش بستگی داشت (ارغندی، ۱۳۷۴: ۵۰). در زمان خسرو انوشیروان ارتش ساسانی نظامی کاملاً جدید پیدا کرد. ساسانیان هم همانند تمامی امپراتوری‌ها بی‌نیاز از سرباز و ارتش مقتدر نبودند نگاهی گذرا به حیات سیاسی و نظامی پادشاهی ساسانی به خوبی نشان می‌دهد که سپاهیان نه تنها در استقرار و تثبیت حکومت ساسانی نقش بسزایی داشتند، بلکه گسترش مرزهای سرزمینی پادشاهی نیز به توان و بسیج آن‌ها بستگی داشت. قدرت‌نمایی شاهان ساسانی در شرق و غرب تنها زمانی میسر بود که شاه می‌توانست سپاهیان کارآمد و قابل توجهی را در خدمت خود بگیرد (کریستن سن، ۱۳۸۴: ۱۵۱). روی کار آمدن بسیاری از شاهان نیز، در گرو همراهی سپاهیان و جنگجویان با وی بود و البته این بزرگان و اشراف خاندانی بودند که می‌توانستند با در اختیار قرار دادن نیروهای زیردست خود، شاه ساسانی با مدعی تاج و تخت را یاری نمایند. با تکیه بر همین نیروهای کارآمد «شاهزادگان، بزرگان، آزادان و پارسیان و پارتیان، کدخدایان، شهرداران و آمارگران و سرمایه‌داران»

بود که نرسی توانست شهریار ساسانی را به چنگ آورد (لوکونین، ۱۳۶۵: ۱۸۸). ارتش ایران ساسانی بیش از چهارصد سال نگهبانی از خاک ایران را بر عهده داشت و در این مدت بر انبوه دشمنانی که این کشور را در پشت مرزهای ایران محاصره کرده بودند، شکست داد. موفقیتی عظیم که در تاریخ جهان و در تاریخ ایران بی نظیر است. اهمیت این دستاورد زمانی بیشتر خواهد شد که به یاد بیاوریم این ارتش وارث و جانشین ارتش ایران اشکانی بود که یونانیان را بیرون راند و در کارنامه درخشان خود نزدیک به پنج قرن شجاعانه از ایران دفاع کرد. اما آنچه این سازمان نظامی را به چنین توانایی‌هایی رساند فراتر از سلاح و تاکتیک بود. در این میان عوامل انگیزشی مانند میهن پرستی، خودشناسی، سخاوت و تعهد به باورهای مذهبی بی گمان نقش بسزایی داشته است. همچنین شیوه‌های جنگی این ارتش که مبتنی بر حرکت سریع و جنگ از راه دور بود، این امکان را به وجود آورد که ایران با امپراتوری بسیار پرجمعیتی مانند روم با جمعیت کمتر وارد نبرد شود و در میدان پیروز شود (نیکول، ۱۳۹۵: ۱۵).

از منظر عوامل سیاسی در خصوص پیدایش ارتش منظم در دوره ساسانی می‌توان به نقش ارتش در خصوص سیاست خارجی ساسانیان با رومیان و در سیاست داخلی به عنوان عاملی اساسی حامی طبقه حاکم باشد. در خصوص مقوله سیاست خارجی نیز بایستی اشاره کرد بین ایران اشکانی و ساسانی با روم، برای تسلط بر مناطقی همچون ارمنستان، ایبری و البان و... و به طور کلی منطقه قفقاز رقابت و تنش‌های گسترده‌ای وجود داشت (کشاورز، ۱۳۵۷: ۷۱). از همین رو برای غلبه بر رقبای خود نیاز به ارتش منظم یک ضرورت انکار ناپذیر بود. در خصوص سیاست داخلی، از عمده‌ترین اهداف تشکیل ارتش منظم در این دوره، استفاده از آن به عنوان ابزاری برای حمایت از خاندان ساسانیان و به طور کلی خاندان سلطنتی دانست، چرا که بررسی گذشته امپراتوری‌ها نشان می‌داد نیروهای نظامی عامل اصلی و منحصر به فرد به قدرت رسیدن گروه خاصی در کشور بودند و اصلی‌ترین وظیفه آنها نیز حمایت از خاندان سلطنتی در مقابل خطرات و تهدیدات و به طور کلی مشروعیت بخشیدن به دستگاه حاکمیتی و بهبود قدرت سیاسی داشت (ارغندی، ۱۳۷۴: ۵۰). از آنجایی که در هنگام به قدرت رسیدن امپراتوری ساسانی، خاندان‌های بزرگ

امپراتوری اشکانی در مقابل حکومت ساسانی به صورت پیوسته دست به شورش می زدند از این رو وجود یک ارتش منظم حامی این خاندان و عاملی برای سرکوب طاغیان یک ضرورت مهم دیگر بود.

عوامل اقتصادی نیز از دیگر مقوله های مهم برای تشکیل ارتش منظم در دوره ساسانیان بود. بررسی نگاره های تاریخی و همچنین مستندات نشان می دهد وضعیت اقتصادی کشور ایران در سده سوم میلادی بسیار بد و بحرانی بود از این رو در این زمان نه تنها خاندان های بزرگ بلکه قشر زیادی از مردم، بازرگانان و تجار نیازمند یک دولت و ارتش مقتدر برای نگهداری اقتصاد بین النهرین و میان دو رود بودند. از همین رو وجود ارتش نیرومند و مقتدر در راستای حل این مشکلات و جلوگیری از تشدید بحران اقتصادی ضروری بود همچنین علاوه بر این یک عامل اقتصادی دیگر نیز وجود داشت که آن هم عبارت بود از وجود جاده ابریشم که برخی از بخش های آن در سیطره ساسانیان بود از آنجا که این جاده مزایای اقتصادی و تجاری زیادی برای امپراتوری ساسانی داشت، بنابراین آنها بایستی در حفظ و حراست از آن تلاش کنند. همچنین در بخش های غربی هم رقابت با رومیان بر سر تسلط بر این جاده به شدت وجود داشت به طوری که همواره شاهان امپراتوری روم تلاش می کردند این راه ها را تصرف کنند تا از پرداخت عوارض گمرکی و همچنین افزایش قیمت کالاها جلوگیری کنند همین امر علل رویارویی شرق و غرب بود (مشکور، ۱۳۸۷: ۸۸). از این رو حفظ این راه های ارتباطی شرق و غرب و تامین امنیت آن ضرورت وجود ارتش مقتدر و منظم را تبیین می کرد.

عوامل اجتماعی هم در شکل دهی به یک ارتش منظم در این دوره نقش مهمی داشت. از این رو یکی از فاکتورهای مهم در این خصوص وضعیت اجتماعی جامعه امپراتوری ساسانی به لحاظ ترکیب قومی بود. با وجود اقوام گوناگون در ایران برای حفظ این سرزمین با چنین قومیتی نیاز به یک ارتش منظم و دائمی را ضروری می ساخت. همچنین این ارتش حافظ فرهنگ ملی بوده و مانند سپری بزرگ از فرهنگ آسیای غربی در تجاوزز اقوام بدوی دفاع می کرد (بیانی، ۱۳۴۷؛ ص، ۳۳). ارتش این دوره در حفظ امنیت اجتماعی نقش بسیار مهمی داشته است به طوری که ارتش به صورت قانونی موظف

به دفاع از شهروندان بوده است (تاج بخش، ۱۳۸۲: ۳۱۴).

عامل جغرافیایی از دیگر عوامل مهم در شکل‌گیری ارتش منظم و مقتدر ساسانیان بود در همین خصوص باید اشاره کرد که فلات ایران از منظر جغرافیایی دروازه قاره آسیا و از منظر تاریخی چهار راه تمدن‌ها به حساب می‌آمد. از همین منظر چنین موقعیت مناسب جغرافیایی به صورت پیوسته همسایگان امپراتوری ساسانیان را تشویق به ایجاد مشکل می‌کرد. به این صورت که شاهنشاهی امپراتوری ساسانی در تمامی دوره‌های فرمانروایی چند صد ساله همواره بین دو دشمن قوی و خطرناک، یکی از اقوام آسیای مرکزی در شرق و دیگری نیز در غرب و امپراتوری روم بود که پیوسته امپراتوری ساسانیان را تهدید می‌کرد از همین منظر پادشاهان ساسانی ناگزیر بودند ارتش خود را استوار بسازند (محمدی ملایری، ۱۳۷۴: ۶۹).

در نهایت عامل دین نیز یکی دیگر از عوامل مهم در شکل‌گیری ارتش نیرومند ساسانیان بود در همین خصوص بایستی اشاره کرد که ساسانیان حکومت خود را بر مبنای اندیشه‌ها و باورهای دینی پایه‌گذاری کرده بودند. در همین زمان موبدان زردشتی نیز قدرت زیادی داشتند و نسبت به امر دین سختگیری زیادی داشتند بر همین اساس برای حفظ دین رسمی امپراتوری که شاهان نیز از آن پیروری می‌کردند نیازمند نیروی قوی و آماده بود تا هر گونه نفی دین و مخالف با آیین زردشت را خنثی کنند. بنابراین وجود ارتش قوی و دائمی در این خصوص نیز ضروری بود (خدادادیان و همکاران، ۱۳۷۸: ۴۳).

آنچه از این مبحث ضرورت شکل‌گیری ارتش ساسانی بر می‌آید این است که وجود یک ارتش همیشگی و یکپارچه برای ایجاد امنیت اجتماعی، دینی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیای و... برای همه ساکنین هر کشوری ضروری است و این نوع از ساختارهای نظامی و ارتشی از زمان‌های بسیار دور در تمامی تمدن‌ها وجود داشته و تمامی تمدن‌ها و امپراتوری‌ها چنین ضرورت مهمی را احساس کرده‌اند. بنابراین ارتش ساسانی نیز نیازمند یک نیروی نظامی دائمی و قوی بود.

۲-۵. ساختار ارتش ساسانی در برابر اعراب

۱-۲-۵. تعداد نفرات ارتش

آنچه که در جنگ بین ایرانیان و اعراب مسلمان بسیار برجسته و روشن است برتری نفرات ایرانیان نسبت به اعراب مسلمان است. برتری چشم گیر ایرانیان در مقابل سپاه اعراب در تمامی نبردها غالب بود. در برخی منابع گزارش شده است که شماره سپاهیان ایرانی در مقابل اعراب با برتری سه برابری به نفع ارتش ایرانیان بود با وجود این تلفات انسانی ایرانیان در غالب جنگ ها سه برابر تلفات اعراب مسلمان بود اما هر چند در این خصوص مبالغه بسیاری شده است در ادامه به برخی از منابع تاریخی مهم در این خصوص اشاره می شود. در نبرد پل که تنها پیروزی ارتش ساسانیان در مقابل اعراب مسلمان بود شمار لشکر اعراب به فرماندهی ابوعبیده ثقفی حداکثر نه هزار نفر بیان شده است (دینوری، ۱۳۶۸؛ ۱۴۴) اما این آمار دقیق تر از آمار ابن اعثم کوفی که تعداد سپاهیان اعراب را زمان عبور از پل را پنج هزار نفر بیان کرده است. وی تعداد لشکر ایرانیان را هشتاد هزار نفر برآورد کرده است که به نظر اغراق آمیز است (ابن اعثم کوفی، ۱۹۹۵؛ ۹۶). شمار تلفات اعراب مسلمان در این نبرد اعم از کشته شدگان و زخمی ها چهار هزار نفر بوده است که اگر چه ارتش ایران پیروز نبرد بود اما کشته شدگان ارتش ایران یک و نیم برابر یعنی در حدود شش هزار نفر بوده است (مسعودی، ۱۳۷۴؛ ۶۶۵). سپاهیان مسلمان در سال ۱۴ هجری که به غارت دیر هند و اطراف آن می پرداختند. مهران پسر مهربنداد را مجبور ساخت با سپاهی دوازده هزار نفری برای دفع آنها گسیل شود اما در نبردی در بویب شکست خود و کشته شد. در برخی از منابع تعداد کشته شدگان ایرانی را صد هزار نفر گفته اند (ابن اثیر، ۱۹۹۶؛ ۱۶۲) در حالی که فقط ۱۲ هزار نفر در این جنگ شرکت کرده بودند. اما قادسیه که یکی از مهمترین نبردهای ارتش ساسانیان با سپاهیان مسلمان بود (زرین کوب، ۳۶۶: ۳۱۸). در کتاب تاریخ ایران بعد از اسلام این تعداد را به عنوان حداقل رقم عنوان شده از ابوعوانه نقل کرده است در مقابل کمترین تعداد نفرات بیان شده برای اعراب مسلمان را ده هزار نفر که توسط بلاذری نقل شده است. در حالی که مسعودی، ابن خلدون و مقدسی تعداد ارتش ساسانیان را شصت هزار نفر و بلاذری ۱۲۰ هزار نفر عنوان کرده است و حتی طبری در یک روایت

بسیار مبالغه گونه تعداد سپاه ساسانیان با اتباع خویش را دویست هزار نفر اعلام کرده است اما آنچه که غالب محققان و مورخین تاریخ بیان کرده اند تعداد لشکریان اعراب مسلمان را سی هزار نفر عنوان کرده است (دینوری، ۱۳۶۸؛ ۱۵۳).

۲-۵. نقش فرماندهی

آنچه که نقش تعیین کننده‌ای در بسیاری از نبردهای تاریخ بشریت رخ داده نقش مهم و راهبردی فرماندهی و مدیریت دفاعی میدان جنگ در پیروزی است. این فرماندهی و مدیریت سپاه است که باعث انگیزش، جنبه جوش، جوش و خروش، رشادت، دلاوری و بسیاری از مسائل دیگر است. در دوارن لشکر کشی و کشور گشایی اعراب در ایران، فرماندهان سپاه اعراب مسلمان از خلیفه گرفته تا فرماندهان رده پایین در قیاس با سطح فرماندهی ارتش ساسانیان از ویژگی‌های بهتری برخوردار بودند. در یک چهارچوب کلی؛ پیروزی اصلی سپاه مسلمانان حاصل عملکرد درست و به جای آنها بود (مصدق و همکاران، ۱۳۸۸؛ ۱۱۶). در همین خصوص طبری نقل می‌کند رستم فرخزاد در قادسیه وقتی در مقابل سپاه اعراب قرار گرفت درخواست صلح همراه با سکه داد اما زهره بن حویه فرمانده سپاه اعراب پاسخ داد که ما بطلب دنیا نیامده ایم بلکه خواست ما آخرت است (احمد ابن اعثم، ۱۳۰۰؛ ۱۷۱). در نبرد نهاوند نعمان پسر مقرن که فرماندهی سپاه اعراب مسلمان را بر عهده داشت برای مسلمانان پیروزی و برای خود شهادت خواست (ابن اثیر، ۱۹۹۶؛ ۱۷۱).

۳-۲-۵. تشکیلات و آرایش جنگی در میدان نبرد

طلایه داران یکی از مهمترین ارکان هر سپاه به حساب می‌آمدند، به همین دلیل اغلب از میان فرماندهان دلاور و سرشناس سپاه انتخاب می‌شدند. این افراد افزون بر آن که باید جنگاورانی ورزیده می‌بودند، لازم بود از منطقه و کیفیت نبرد نیز اطلاع کافی می‌داشتند (راشد محصل، ۱۳۸۵: ۱۲۰). فنون جنگی متداول در میدان نبرد در ارتش ساسانیان به این شکل بود که به طور کلی ارتش به پنج بخش تقسیم می‌شد: خط اصلی متشکل از سواره نظام برگزیده یا سواران سنگین اسلحه بودند. در این باره منابع موجود همداستانی ندارند و

هر یک به راهی رفته اند. برای مثال کریستنسن بر آن است که صف نخست سپاه را در دوره ساسانی سواره نظام که پشت آنان فیل هایی قرار می گرفته تشکیل میداده است (کریستنسن، ۱۳۶۷: ۲۳۲). خط دوم شامل نیروی های کمکی از جمله پیاده نظام سنگین اسلحه بودند. که پشت سر خط اصلی قرار می گرفتند بعد این گروه ها دو جناح معمولاً از سواره نظام تشکیل می شد قرار می گرفتند. خط چهارم گروه کوچکی با عنوان نیروهای احتیاط یا سپاه ذخیره بودند که شامل بهترین گروه اسب سواران جان سپار یا پیش مرگ بودند شکل زیر نحوه ارایش نیروهای ارتش ساسانیان را نشان می دهد (فرخ، ۱۳۸۹: ۴۶).

۳-۵. تاثیر آیات قرآن از عوامل شکست ایرانیان در برابر اعراب مسلمان در روند فتوحات

مفهوم جهاد به زمان پیامبر اکرم (ص) و پس از هجرت ایشان به مدینه و در رویارویی با مشرکان مکه باز می گردد. اما این که کدام آیات بر ایشان نازل گردید و این که دقیقاً در چه زمانی بود، به طور دقیق مشخص نیست. به طور مثال ابن هشام به نقل از سیره ابن اسحاق می آورد «درست در اوایل ماه صفر یعنی دوازدهمین ماه ورود او به مدینه بود که طبق دستوری که از جانب خدای تعالی باو رسید با جمعی از مهاجرین برای جنگ با مشرکین از شهر مدینه خارج شد» (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۳۹۲).

۱-۳-۵. نوید پیروزی به مسلمانان در آیات قرآن کریم

نویدهای که قرآن به مسلمانان در نبردها داده است و همچنین سیره پیامبر (ص) در این زمینه، از عوامل روحیه بخش مسلمانان برای جنگ و جهاد بود. قرآن در آیه ۲۰ سوره فتح ۱، به مسلمانان وعده پیروزی و غنیمت های بسیار را می دهد. از ابن عباس روایت شده که مراد از مردم مورد اشاره در این آیه، پارسیان و رومیان هستند (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۹).

۱. وعدکم الله مغنم کثیرة تأخذونها فعبجل لکم هاذو و کف أیدی الناس عنکم و لتکون ءایة للمؤمنین و یهدیکم صراطاً مستقیماً- فتح: ۲۰.

۲-۳-۵. بهرمندی از اندیشه شراء نفس

شراء نفس از جمله مواردی بود که رهبران جامعه اسلامی برای تحریض به نبرد و وعده پیروزی در دنیا و آخرت از آن استفاده می نمودند. شراء نفس به معنای فدا کردن خود در جنگ با دشمن بود. کاربرد این واژه از آن رو است که چنین شخصی با توجه به آیات ۲۰۷ سوره بقره ۱ و ۱۱۱ سوره توبه ۲، جان خود را به خاطر عقیده خویش و در راه خدا و در قبال بهشت می فروخت. گروهی از خوارج را نیز «شراء» می خواندند که جمع «شاری» است و این بدان خاطر بود که می گفتند ما جانهای خود را در راه اطاعت از خداوند و در قبال بهشت می فروشیم (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۲۶).

۳-۳-۵. قرائت آیات قرآن در عرصه نبرد

تکرار برخی از آیات قرآنی نیز از روش های ترغیب مسلمانان در عرصه نبرد بود. علاوه بر تکبیر «الله اکبر» که در بیشتر جنگ ها کاربرد داشت. گاهی برخی آیات و اذکار نیز در سپاه مسلمانان مکرر ذکر می شد؛ از جمله آیه «حسبنا الله و نعم الوکیل» و همچنین «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» و «نَسْتَعِينُ بِاللَّهِ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» بود (طبری، ۱۳۷۵: ۵/ ۱۸۱۲؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷/ ۱۹۸۶: ۷/ ۶۵؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱/ ۵۲۱).

۴-۳-۵. بهره‌مندی از آیات در هنگام کثرت سپاهیان دشمن

مسأله کمی نیروهای اعراب نسبت به دشمن در جنگ‌های اولیه نیز از موضوعاتی بود که نیازمند روحیه سازی مناسب داشت. البته این امر موضوع جدیدی نزد آنها نبود؛ بلکه میراثی برجای مانده از گذشته و عصر رسول گرامی اسلام بود. مسلمانان در زمان پیامبر (ص) در غزوه بدر که در ماه رمضان سال دوم هجرت (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۲/ ۲) و غزوه خندق که در شوال سال پنجم هجرت (همان، ۲۵۲). رخ داد، با تعداد سپاهیان کم‌تر نسبت به مشرکین جنگیدند و هر صد نفر از مسلمانان موظف شده بودند تا در مقابل دویست نفر از مشرکان بجنگند (زنگری‌نژاد، ۱۳۸۵: ۳۸۱).

۱. وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ

۲. إِنْ اللَّهُ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَلَىٰ عَلَيْهِ حَقٌّ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمِ اللَّهِ الَّتِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ

۵-۳-۵. شور و مشورت برگرفته از آیات قرآن و اهمیت آن در فتوحات

از دیگر تأثیرات آیات اسلامی در جهت پیروزی های اولیه اعراب توصیه به مشورت در مسائل نظامی بود^۱. هرچند باید گفت که پیش پنداشت های ساختار قبیلگی درباره مشورت نیز در این امر دخیل بوده است؛ زیرا آنچه از گذشته نزد اعراب رایج بود این بود که «در انتخاب شیخ قبیله سالخوردگی و صفات ممتاز رعایت می شد (اما) در مسائل قضایی و جنگی و دیگر کارهای عمومی شیخ دارای قدرت و استبداد نبود، بلکه می‌بایست در هر کار با انجمن قبیله که از بزرگان قوم و سران خاندانها تشکیل می شد مشورت کند» (حتی ۱۳۴۴، ۱/ ۳۹). همانطور که پیامبر (ص) نیز در غزوات، با اصحابشان مشورت می نمودند. در غزوه بدر ۲ (ه.ق) برای بازگشت به مدینه و یا جنگ با قریش با آنها مشورت کردند (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۲/ ۱۰).

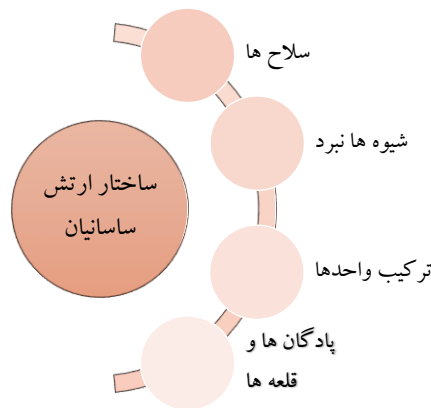
۵-۳-۶. توجه به وحدت در عرصه نبرد

از اصول مسلم تاکتیک نظامی و جنگی «اصل وحدت فرماندهی» است که در ادبیات نظامی از آن به یکی از اصول نهگانه جنگ یاد می شود (عباسی و جعفری، ۱۳۹۰: ۲۱). ضرورت حفظ وحدت و دوری از تفرقه که از عوامل مهم پیروزی است، مورد توجه و نظر فرماندهان و مجاهدین صدر اسلام بوده است. آنان با استناد به آیات قرآن این مهم را به جنگجویان و جهادگران متذکر می شدند. درحالی که تا قبل از اسلام، وحدت فقط در ساختار قبیلگی مفهوم داشت؛ اما با ظهور اسلام و رهبری پیامبر (ص)، تفرقه در بین اعراب تا حدودی به فراموشی سپرده شد و تسلط نظام قبیلگی، جای خود را به نظام مدنی (امت) داد. گرچه با رحلت پیامبر (ص) فرهنگ نظام قبیلگی و اختلاف در ماجرای سقیفه باز تولید شد (ناظمیان فرد، ۱۳۹۰: ۲۰۱).

۱. و شاورهم فی الأمر - آل عمران ۱۵۹: و أمرهم شوری بینهم - شوری: ۳۸.

۶. ابزار ارتش در دوره ساسانی در مقابل اعراب مسلمان

آنچه که از منابع و بررسی مستندات بر می آید ارتش ساسانی دارای ساختارهای پیچیده‌ای بوده است. همانطوری که اشاره شد بخشی از ساختار ارتش ساسانیان مربوط به تشکیلات نظامی بود که در فصول قبل تشریح شد. واحدهای تشکیل دهنده ارتش ساسانیان شامل سواره نظام سنگین اسلحه، سوار نظام سبک اسلحه، پیاده نظام سنگین اسلحه، پیاده نظام سبک اسلحه، ارباب‌های نظامی، رسته فیل‌ها، شتر سواران، فیل سواران، تیراندازان و... بود که به صورت کامل اینها تشریح شدند. بخش بعدی ساختار ارتش ساسانیان مربوط به سلاح‌ها و تجهیزات نظامی آنها بود، اشاره شد که سلاح‌های نظامی ارتش ساسانی شامل، شمشیر، نیزه، تبر، تبرزین، گرز، فلاخن، قلعه کوب، سرنیزه، خنجر، زوبین، تیر و کمان، سپر، منجنیق، زره و جوشن، کمند و... بود. همچنین شیوه‌های نبرد ارتش ساسانیان نیز شامل: قلعه‌گیری، شیخون، کمین کردن، کاربرد جاسوسان در جنگ، نقیب زنی، خندق، کاربرد اسیران و... بود.



شکل (۱): ترکیب کلی ساختار ارتش ساسانیان

در آثار مورخان اسلامی جنگ افزارهای زیادی را برای ایرانیان برشمرده‌اند (طبری، ۱۳۶۲: ۱۵۱۱) جنگ افزارهای همچون زره‌های فولادی، آهن، تیر و کمان را نام برده است (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۱۸) از جوشن، زره و برگستوان، شمشیر، تبرزین و سپر را برای ارتش ساسانی ذکر کرده است. همچنین او از خارهایی برای ایجاد مانع که از آهن سه گوش ساخته شده بود نیز نام برده است. همچنین در منابع دیگر از زره، چهار آئینه،

کلاه خود، برگستوان، سپر، گرز، تبرزین، خنجر نام برده شده است. ترکیب واحدها همانطوری که اشاره شد از سواره نظام آهنی تا پیاده نظام سبک اسلحه، سپاه فیلان و... در آثار مختلف اشاره شده است. در همین خصوص علاء الدین آذری (۱۳۵۰) به نقش فیل ها در ساختار ارتش ساسانیان اشاره کرده است و انداختن نعمان به زیر پای پیلان روایت مشهوری در تاریخ عهد خسرو پرویز است. ابن خلدون نیز نقش فیل ها را پیروزی ایرانیان در نبردهای پیشین موثرترین دانسته است. همچنین ابن اعثم (۱۳۰۰) نیز به سی و سه فیل جنگی در نبرد قادسیه اشاره کرده است. همچنین در خصوص نیروی اسب سوار نیز اشاره شده است (داهیم، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

۱-۶. تاکتیک‌های دفاعی ارتش ساسانی

در دوره امپراتوری ساسانیان شورای مُرکب از بزرگان و فرماندهان کشور تشکیل می‌شد که در مورد عملیات نظامی بحث و تصمیم‌گیری شود. ساسانیان از انواع روش‌ها و تاکتیک‌های جنگی استفاده می‌کردند آنها در فن محاصره کردن و قلعه‌گیری مهارت داشتند و برای دفاع از شهرها و اردوی نظامی گاهی اقدام به حفر خندق می‌کردند. استفاده از منجنیق و قلعه کوب در دوره ساسانی رایج بوده است. شاه یا فرمانده لشکریان پیش از هر جنگ ارتش خود را سان می‌دید و هر سربازی یک تیر به درون سبد می‌انداخت و شمار واقعی لشکریان معلوم می‌شد. نیز هنگام بازگشت از این طریق نیروهای تلف شده خود را شمارش می‌کردند (نفیسی، ۱۳۸۸: ۸۴).

۱-۱-۶. قلعه‌گیری

ایرانیان، مخصوصاً در زمان امپراتوری ساسانیان در فن قلعه‌گیری دارای مهارت بسیار بالایی بودند. کریستین سن در کتاب ایران در زمان ساسانیان چنین آورده است که ایران عهد ساسانی فنون قلعه ستانی را از رومیان فرا گرفته و از قوچ و منجنیق و برج متحرک و سایر الاتی که از قدیم الایام در محاصره استفاده می‌شد را به کار می‌بردند و وقتی خود آنها محصور می‌شدند، طریقه دفاع از آن ابزار دشمن را می‌دانستند و سلاح‌های جنگی دشمن را از کار می‌انداختند و قوچ‌های آنان را در کمند می‌گرفتند و سرب گداخته یا

مواد قابل اشتعال دیگر بر روی ادوات دشمن می‌ریختند (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۱۵۷).

۲-۱-۶. شیخون

شیخون عموماً به حملاتی گفته می‌شود که با هدف ترساندن دشمن انجام می‌شده است و هدف نظامی و جنگی که فتحی به دنبال داشته باشد نبود. (حسینی امینی و معتمد، ۱۳۹۹: ۱۲۱). برطبق اسناد کارنامه اردشیر بابکان ایرانیان در غافلگیری دشمن مهارت زیادی داشتند و کرارا ارتش‌های رومی را به دام می‌انداختند، این شیوه جنگی از ابداعات ساسانیان بود و اردشیر بابکان از این فن استفاده می‌کرد (فره‌وشی، ۱۳۹۷: ۱۲۵). دستوراتی درباره حمله‌های شبانه یا شیخون و کشاندن دشمن به ردی کاذب و بکار بستن خندقه‌ای مخفی و مستور و ترساندن دشمن با صدای کرناها و فریاد و همهمه و غیره وجود داشت (پیگولوسکایا، ۱۳۶۳: ۱۲۸).

۳-۱-۶. به کارگیری جاسوسان در جنگ

به طور عمومی در هر ارتش و نیروهای نظامی اشخاصی وجود داشتند که طی تمرینات پیوسته جهت خبرچینی یا جاسوسی سپاه مقابل تربیت می‌شدند. وظایف جاسوسان گرفتن خبر از تعداد، نحوه و زمان حمله‌ها و محل قرار گرفتن و ... دشمن بود، که این اطلاعات را بایستی به فرماندهان عالی اعلام می‌کردند. جهت گرفتن اسرار نظامی دشمن نیز فرماندهان مبادرات به ازعزام جاسوسانی به مناطق مختلف می‌کردند (دینوری، ۱۳۸۶: ۲۶۹).

۴-۱-۶. کمین زدن

مفهوم کمین زدن در واقع منتظر نشستن به دنبال فرصت مناسب برای حمله بیان شده است «برای کمین نشستن باید سربازان دلیر، شجاع، محتاط، و جدی را انتخاب کرد که بلند آه نکشند و سرفه و عطسه نکنند برای آنان باید چارپایانی انتخاب کرد که شیهه نکشند و سرکش نباشند (اینوسترانسلف، ۱۳۸۴: ۳۶). در واقع این یکی از فنون موثر ساسانیان در جنگ بود که دشمن را به عقب نشینی ساختگی و می‌داشتند. و دستوراتی برای استتار آنان وجود داشت که پیشنهاد می‌شده است که از صداها و طبیعت مانند صدای رودخانه یا صدای باد استفاده کنند تا دشمن صدای نزدیک شدن آنها را نشنود (فرخ، ۱۳۸۸: ۸۵).

۵-۱-۶. دفاع از دژها

پادشاهان امپراتوری ساسانی برای ایجاد امنیت راه ها یا ترس از کمین دشمنان، دژهایی ساخته بودند و آنها را محافظت می کردند که مانع حملات کمین و یکباره دشمنان می شد. در همین خصوص امام شوشتری بیان می کند «دژهایی ساخته بودند که آثار برخی از آنها هنوز در راه های کوهستانی دیده می شود و در آنها سپاهانی برای نگهداری ایمنی راه ها گماشته بودند». ارتش ساسانیان در استعمال قلعه کوب و خشت انداز و منجیق برای حمله به دژها و دفاع از دژهای خود بسیار مهار بودند (امام شوشتری، ۱۳۵۵: ۵۵).

۶-۱-۶. حفر خندق

حفر خندق در جنگ های ایران به ویژه در امر قلعه گیری بسیار مورد توجه بوده است. احداث خندق و استفاده از قلعه کوب و انداختن کمند از ابتکارات ایرانیان بوده است (سامی، ۱۳۸۹: ۷۴). سپاه ساسانی برای دفاع از قلعه ها و یا شهرهای مورد هجوم دشمن از خندق استفاده می کردند تا از ورود و تاخت و تاز دشمنان جلوگیری کنند این راهبرد کاملاً دفاعی بود. ساسانیان اولین بار دز زمان اردشیر بابکان از حفر خندق استفاده کردند. موقع محاصره قلعه مستحکم رومی، که دور آنها خندق های عمیقی وجود داشته، غالب از راه کندن تونل و دالان های زیرزمینی، خود را به خندق اطراف قلعه می رساندند و آن را پر می کردند و یا از راه نقب به زیر برج ای قلعه نفوذ می کردند و برج ها را خراب می کردند به گفته (طبری، ۱۳۶۸: ۵۸۹).

۷-۱-۶. رجز خوانی

نبردهای ساسانیان معمولاً با فریادهای «مرد و مرد» که درخواستی برای نبرد تن به تن با پهلوانان ساسانی بود، آغاز می گشت (طبری، ۱۳۶۸: ۵۸۸). اگر شاهنشاه در میدان نبرد حضور داشت، تخت او در یک مکان بلند (مانند یک تپه) یا دستکم در قلب سپاه میان چهار پرچم قرار می گرفت. در کنار او خدمتکاران و نگهبانان بودند و کمانداران و پیاده نظام پشت سر وی قرار داشتند (فرخ، ۱۳۸۸: ۸۶).

۷. ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی ساسانیان در مقابل اعراب

یکی از مهمترین تأثیرات حضور اعراب در ایران شهرنشین شدن اعراب بود. با گسترش دستگاه حکومتی اعراب، شیوه‌های محدود حکومت قبیله‌ای جوابگوی حکمرانی در گستره وسیع خلافت اسلامی نبود. نیاز به دستگاه نیرومند دیوانی در سایه قدرت و ثروت به دست آمده، اعراب را به سمت دیوان‌سالاری و شیوه‌هایی از حکومتداری ایرانی کشاند. روابط اقتصادی ساسانیان و اعراب با تبادلات تجاری و فرهنگی گسترده مشخص می‌شد. از زمان شاپور دوم، این پیوندها قوی‌تر شد و ساسانیان کالاهایی مانند ابریشم، فرش و پارچه‌های پارچه‌ای را به بازارهای عربی صادر کردند. شبه جزیره عربستان به عنوان یک مسیر تجاری مهم برای امپراتوری ساسانی عمل می‌کرد و تجارت با هند و فراتر از آن را تسهیل می‌کرد. حکومت ساسانی از همان ابتدای تاسیس خود در کنار ترویج کشاورزی و ساخت و تقویت شبکه آبیاری، دست به تشکیل شهرهای سلطنتی و دستکرت‌ها زد. سیاست‌های حکومتی در تشویق کشاورزی و پیشرفت اقتصادی که به شکل سرمایه‌گذاری در سیستم آبیاری و تامین آب و نیز شهرسازی نمودار می‌گردید، به دوران اولیه ساسانی و حتی پیش از آن و به عهد اشکانی بازمی‌گردد و مدارک زیادی از سرمایه‌گذاری‌های وسیع دولت ساسانی در ساخت سد و کانال و تشویق کشاورزی در تمامی ایران و بخصوص بابل که سبب نان کشور به حساب می‌آمد، وجود دارد. شهرهای شاهی نیز از سوی شاهنشاه بنیان می‌یافتند و وابسته به او بودند (پیگولوسکایا، ۲۰۰۳: ۲۱۸) تاسیس شمار زیادی از شهرهای شاهی توسط نخستین شاهان این سلسله در قرن سوم میلادی ناشی از سه اولویت بود نخست آنکه پیدایش این شهرها حاکمیت شاهنشاه را بر محدوده مجاور این شهرها تحکیم و تقویت می‌نمود. دوم، ایشان با کوچاندن اجباری ساکنان مناطق مفتوحه در ماورا فرات و بخصوص سوریه رومی، بر آن بودند تا نیروی کار ماهر مورد نیاز برای ایجاد و بالندگی صنایع نوین در این شهرها را فراهم نمایند تا از این طریق ثقل قدرت اقتصادی خود را از کشاورزی به سوی تجارت و ارزش افزوده حاصل از فعالیت‌های شهری ببرند. شاید نخستین نمایش تأثیر این سیاست را بتوان در موزائیک‌های بدست آمده از کاخ شاپور اول در بیشاپور ملاحظه نمود که تأثیر هنر رومی

این صنعتگران در آن، بوضوح قابل مشاهده است. اولویت سوم این بود که مالیات دریافتی از زمین های واقع شده در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی بود (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۵۲). از آنجایی که اردشیر اول بیشتر به درآمدهای حاصل از املاک سلطنتی تکیه داشت غالباً درآمدی از واسال هایش دریافت نمی کرد و قاعدتاً این شیوه توسط جانشینان وی ادامه پیدا کرد لذا تا زمان اصلاحات خسرو اول که مالیات گیری در دستان دولت مرکزی متمرکز نگردیده بود (همان، ۱۴۱) دولت همواره از تعیین مبلغ مشخصی به عنوان مالیات دریافتی عاجز بود و این در دورانی که شاهان ضعیفی بر سر کار بودند و حکومت ساسانی نمی توانست از طریق عملیات نظامی خزانه خالی خود را پر نماید تبدیل به مشکلی جدی و بنیادی می گردید. لذا اگرچه میزان درآمد حاصل از فعالیت های شهری از مالیات حاصل از کشاورزی کمتر بود اما ثبات بیشتری داشت و دولت می توانست بر روی آن بیشتر حساب نماید تا بر کشاورزی در فلات ایران که نسبتاً خشک بوده و فهرستی طولانی از خشکسالی های مرگبار را به خود دیده است. این امر می تواند نشان دهنده علت اهمیت ایجاد شهرهای شاهی در نزد ساسانیان باشد. این سیاست تا بدان اندازه موفقیت آمیز بود که تداوم آنرا تا سده ششم نیز می توان مشاهده نمود. اگرچه اکثریت زمان سده چهارم به سلطنت حاکمی مقتدر همچون شاپور دوم گذشت لیکن سیاست های شاپور در راستای اهداف دو قطب اصلی قدرت کشور یعنی روحانیون و اشراف زمین دار بود. وی سعی نمود تا اشراف را با سهم کردن در سود حاصل از نبرد با بیزانس به سمت خود جذب کرده و روحانیون زرتشتی را با تبدیل دیانت زرتشتی به دین رسمی و رسمیت بخشیدن ایشان، به یاوران خود تبدیل نماید تا بتواند از اهرم های قدرت دینی برای تثبیت حکومت و آرامش بخشیدن به فضای داخلی کشور بهره برد. به نظر می رسد که توجه شاپور به سیاست خارجی و سهم کردن اشراف در منافع حاصل از جنگ های خود با بیزانس موجب غفلت از کشاورزی کشور شده باشد که این امر خود موجب تحولاتی در سده بعد گردید که قاعدتاً تا هنگام اصلاحات کواد - خسرو به طول انجامید. تعامل دولت و اشراف با درگذشت شاپور به سرعت از بین رفت و موازنه قدرت با خلع و کشته شدن متوالی سه پادشاه بعدی به سود اشراف برهم خورد. شاهنشاهی ساسانی به گرداب سراسیمگی و افول

افتاد و ظاهراً شاهان بعدی از بسیاری از دعاوی اسلاف خود دست شستند که از جمله آنها می‌توان به درج عنوان «چهر از یزدان» بر روی سکه‌های ایشان اشاره نمود. به واقع می‌توان مرگ شاپور دوم و پایان قرن چهارم را پایان دوره نخستین شاهنشاهی ساسانی دانست که با فعالیت‌های نظامی بزرگ، احداث شهرهای شاهی، ترویج صنعتگری و تجارت و به‌خصوص توجه ویژه به مرزهای غربی مشخص می‌گردد.

۸. مدیریت دفاعی ارتش ساسانی در مقابل اعراب

۸-۱. اردشیر بابکان و ایجاد دولت حیره

ساسانیان پیوسته مراقب و مانع پیشروی اعراب در ایران بودند. برای همین، اردشیر، بنیان‌گذار این سلسله، در راستای ایجاد «کشورهای حایل^۱»، دولت محلی و دست‌نشانده حیره را (به‌وسیله قبایل تنوخ که در مغرب فرات سکونت داشتند) در مرز جنوبی قلمرو خود (عراق) ایجاد کرد. (حتی، ۱۳۸۰: ۱۰۱) دولت حیره یا ملوک آل لخم (لخمیان) یا آل‌مُنذر (مناذره) به روایتی شامل ۲۳ حاکم یا امیر بوده که حدود ۳۶۰ سال امارت کردند. عنوان حیره از کلمه سُریانی حرتا^۲ به معنی خیمه، خیمه‌گاه نظامی یا اردوگاه است.

۸-۲. شاپور اول و اعراب (۲۴۱ تا ۲۷۱ م)

به دنبال برخوردهایی که دولت ساسانی با اعراب داشت، شاپور اول هم از درگیری با آنها بی‌نصیب نماند. در سال ۲۶۰ م هنگامی که شاپور اول پس از شکست دادن رومی‌ها و به اسارت در آوردن امپراتور روم، «والرین» عازم بازگشت به ایران بود، مورد هجوم گروهی از اعراب و رومی‌ها به فرماندهی «اذینه» (اودینات) امیرعرب، که حکمران شهر پالمور^۳ (تدمر) واقع در صحرای شام بود، قرار گرفت و شکست خورد. (کریستن سن، ۱۳۷۷: ۳۱۷) ایرانیان تا سال ۲۶۵ م بدون احراز موفقیتی علیه پالمور مبارزه کردند (پیگولوسکایا، ۱۳۸۵: ۱۴۸) تا اینکه اذینه بر اثر خیانت به قتل رسید. همسر او «زینب»

۱. کشورهای حایل: کشورهای کوچکی که در حریم امنیتی دو کشور قرار دارند مانند دولت حیره که دست‌نشانده ساسانی و دولت غسان که دست‌نشانده روم بودند.

2. Herta

۳. تدمر شهری است در شمال دمشق و پالمور (پالمیرا) نام یونانی آن است که به سبب نخل (پالم)‌های زیبای آن شهر، به آن نام شهرت یافته است.

به اتفاق پسرش «وهب‌اللات» حکومت را به دست گرفتند و چون ادعای استقلال از روم را داشتند، امپراتور روم «اورلین» به پالمور لشکر کشی کرد، (۲-۲۷۱م) و شهر مزبور را ویران نمود. زینب سعی کرد به ایران پناهنده شود ولی موفق نشد و توسط رومی‌ها به اسارت رفت (کریستن سن، ۱۳۷۷: ۳۱۸) همچنین در زمان شاپور دوم، دولت دست‌نشانده حیره نماینده‌ای از خود با منصب امیر به حکومت بحرین می‌گمارد (فرای، ۱۳۶۳: ۱۰).

۳-۸. بهرام پنجم و اعراب (۴۲۰ تا ۴۴۰م)

پنجمین پادشاهی که بعد از شاپور دوم به تخت نشست، بهرام پنجم، یا بهرام گور، بود. بهرام از دوران کودکی نزد پادشاه حیره (نعمان اول-اعور) فرستاده شد تا تحت سرپرستی وی رشد کند. پس از مرگ یا به روایتی قتل پدر بهرام، یزدگرد اول، اعیان و بزرگان ساسانی کوشیدند تا پسران وی (بهرام، شاپور و نرسی) را از تاج و تخت محروم سازند و لذا به جای ایشان یکی از افراد منتسب به شاخه فرعی خاندان ساسانی به نام خسرو را پیشنهاد کردند. بهرام پس از شنیدن خبر مرگ پدر، گروهی از مهران عرب را فراخواند و ضمن برشمردن نیکی‌های پدرش به اعراب و سخت‌گیری‌هایش با پارسیان، به آن‌ها گفت: «پدرم مُرده است و ایرانیان کسی جز من را به پادشاهی برگزیده‌اند، اینک از شما یاری می‌خواهم.» (ابن مسکویه رازی، ج اول، ۱۳۶۹: ۱۴۳) به دنبال این ماجرا، بهرام پنجم به یاری سپاهیان عرب که فرماندهی آن‌ها را پسر امیر حیره (منذر بن نعمان) یا منذر اول بر عهده داشت به طرف تیسفون حرکت کردند. بزرگان و اعیان و موبدان به وحشت افتادند و عاقبت «خسرو» را خلع و «بهرام پنجم» را به تخت نشانند. تحمیل «کودتا گونه» پادشاهی بهرام به ایرانیان، توسط سپاهی کوچک از اعراب، پیش از آنکه بیانگر برتری سپاه اعراب باشد، نشان‌دهنده ضعف درونی و تشکیلاتی و اختلاف بر سر قدرت بین راهبران سیاسی و مذهبی ساسانیان بوده است (محمودآبادی، ۱۳۸۴: ۳۵۱).

نتیجه‌گیری

شکست ارتش ساسانی در برابر سپاه مسلمانان را نمی‌توان صرفاً به برتری نظامی مسلمانان نسبت داد، بلکه مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی دست به دست هم دادند تا این امپراتوری قدرتمند، که بیش از چهار قرن بر بخش‌های وسیعی از جهان حکومت کرده بود، دچار فروپاشی شود.

ارتش ساسانی، اگرچه در اوج شکوفایی خود به یکی از پیشرفته‌ترین و مجهزترین نیروهای نظامی تبدیل شده بود و با سازمان‌دهی قوی و تاکتیک‌های مؤثر، موفقیت‌های چشمگیری در برابر دشمنان خارجی کسب کرده بود، اما در دوران پایانی با ضعف‌های ساختاری قابل توجهی مواجه شد. ورود ارتش به کشمکش‌های سیاسی داخلی، رقابت میان اشراف و شاهان، و تنش‌های مذهبی و طبقاتی، از انسجام و کارآمدی آن کاست.

یکی از مسائل کلیدی، نارضایتی گسترده اجتماعی از نظام طبقاتی و ستم‌گری‌های سیاسی و اقتصادی حکومت ساسانی بود. این نظام، با انکار واقعیت‌های اجتماعی و دستکاری در حقایق دینی، جامعه‌ای نابرابر و آشفته ایجاد کرده بود که در آن مردم، به‌ویژه از طبقات فرودست، انگیزه‌ای برای حمایت از حکومت نداشتند. بسیاری از ایرانیان، به‌ویژه پس از مواجهه با مسلمانان، اسلام را به‌عنوان دینی که بر عدالت اجتماعی و برابری تأکید داشت، پذیرفتند و این ترجیح اجتماعی تأثیر بسزایی در تضعیف حمایت مردمی از ارتش ساسانی داشت.

سپاه مسلمانان نیز با استفاده از استراتژی‌های روانی و نظامی نوآورانه، همچون بهره‌برداری از نقاط ضعف فرماندهی و نظام طبقاتی ساسانیان، توانستند به پیروزی‌هایی دست یابند که در نگاه اول غیرممکن به نظر می‌رسید. آنان از انسجام عقیدتی، اتحاد مذهبی، و روحیه جهادی بهره می‌بردند و در عین حال، ضعف فرماندهی ارتش ساسانی و فساد در ساختارهای مدیریتی و نظامی این امپراتوری را به سود خود به کار گرفتند.

عوامل شکل‌گیری ارتش ساسانی: ارتش ساسانی متأثر از ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این امپراتوری شکل گرفت. توسعه‌طلبی ساسانیان، ضرورت دفاع از مرزهای

گسترده، و سیاست‌های اقتصادی و دینی، این ارتش را به یک نهاد قدرتمند اما پیچیده و آسیب‌پذیر تبدیل کرد.

ساختار و ابزار ارتش در برابر اعراب: ارتش ساسانی با ساختاری منظم شامل سواره‌نظام، پیاده‌نظام و نیروهای کمکی، و تجهیزاتی پیشرفته مانند زره، تیربارها، و منجنیق در برابر مسلمانان جنگید. اما در میدان نبرد، این ساختار پیچیده نتوانست به‌طور کامل با تاکتیک‌های سریع و متنوع سپاه مسلمانان مقابله کند.

دلایل شکست ارتش ساسانی: بررسی دلایل شکست ارتش ساسانی در برابر سپاه مسلمانان، از منظر مورخان اسلامی، نشان می‌دهد که این رویداد تنها نتیجه قدرت نظامی اعراب نبود، بلکه محصول مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی بود که امپراتوری ساسانی را به سمت فروپاشی سوق داد.

بر اساس گزارش‌های مورخان اسلامی همچون طبری، دینوری، بلعمی، مسعودی و بلاذری، شکست ارتش ساسانی ناشی از عوامل متعددی بود:

- **ضعف فرماندهی و مدیریت نظامی:** ارتش ساسانی در دوران پایانی خود با بحران رهبری مواجه بود. فرماندهان آن، به‌ویژه در جنگ‌های سرنوشت‌ساز نظیر قادسیه و نهاوند، فاقد استراتژی مؤثر و توانایی هماهنگی نیروها بودند. این در حالی بود که سپاه مسلمانان از فرماندهانی با روحیه بالا و انگیزه‌های عقیدتی قوی بهره می‌برد.

- **نارضایتی اجتماعی و فروپاشی اعتماد عمومی:** مورخان اسلامی بارها به نارضایتی گسترده مردم از نظام طبقاتی و فساد اداری و اقتصادی دولت ساسانی اشاره کرده‌اند. مردم ایران که از فشارهای مالیاتی، تبعیض اجتماعی و سخت‌گیری‌های مذهبی به ستوه آمده بودند، با روی خوش به اسلام که بر عدالت و برابری تأکید داشت، استقبال کردند.

- **ورود ارتش به منازعات سیاسی داخلی:** ورود ارتش به کشمکش‌های درونی حکومت، آن را از مأموریت اصلی خود یعنی دفاع از مرزها بازداشت. قدرت‌گیری خاندان‌های اشرافی و رقابت آن‌ها با شاهان، انسجام و کارآمدی ارتش را به شدت کاهش داد.

- **برتری استراتژی‌های نظامی مسلمانان:** سپاه مسلمانان با بهره‌گیری از تاکتیک‌های

جنگ روانی، حملات سریع و متمرکز، و تکیه بر انگیزه‌های دینی و جهادی، توانست به خوبی از ضعف‌های ساختاری و مدیریتی ارتش ساسانی استفاده کند. این استراتژی‌ها، همراه با روحیه بالای جنگجویان مسلمان، در متلاشی کردن نیروهای ساسانی نقش اساسی داشت.

- فساد اداری و ضعف اقتصادی: مورخان اسلامی به تأثیر منفی فساد گسترده در دستگاه حکومتی و ضعف اقتصادی دولت ساسانی اشاره کرده‌اند. کاهش منابع مالی و ناتوانی در تأمین هزینه‌های نظامی، موجب شد ارتش ساسانی از تجهیزات کافی و نیروهای ورزیده بی بهره باشد.

در نهایت شکست ارتش ساسانی در برابر مسلمانان را نمی‌توان تنها به برتری نظامی مسلمانان نسبت داد. این شکست، بازتابی از ضعف‌های بنیادین در ساختار سیاسی، اجتماعی و نظامی امپراتوری ساسانی بود. مورخان اسلامی بر این نکته تأکید دارند که فروپاشی ساسانیان، نتیجه ناتوانی در جلب حمایت مردم، فساد در نظام حکومتی، و ضعف در فرماندهی نظامی بود.

از سوی دیگر، ظهور اسلام و پیام آن که بر عدالت، برابری و یکتاپرستی تأکید داشت، جایگاه اجتماعی و سیاسی جدیدی را برای مردم ایران به همراه آورد. پیروزی مسلمانان در برابر ساسانیان، نه تنها یک تحول نظامی، بلکه آغازگر دگرگونی‌های عمیق اجتماعی و فرهنگی در تاریخ ایران بود که از دید مورخان اسلامی، نشانگر ارتباط مستقیم میان نظام حکومتی ناکارآمد و عدم حمایت اجتماعی از آن است. این نتیجه‌گیری نشان می‌دهد که درسی مهم از تاریخ آن است که اتحاد اجتماعی، انسجام مدیریتی و توجه به خواسته‌های مردم، عناصر اساسی دوام هر حکومتی هستند؛ عناصری که غفلت از آن‌ها، حتی قوی‌ترین امپراتوری‌ها را نیز به سقوط می‌کشاند.

فهرست منابع

۱. احمد ابن اعثم، (۱۳۰۰)، فتوح، ترجمه احمد بن محمد مستوفی هروی، انتشارات: بمبئی.
۲. اذری، علالدین، (۱۳۵۹). روابط ایران و هند در عهد باستان. منبع: بررسی های تاریخی ۱۳۵۰ شماره ۳۵
۳. ازغندی، علیرضا، (۱۳۷۴). ارتش و سیاست، نشر قومس: تهران.
۴. اینوستراتسیف، کانستانتین، (۱۳۸۴)، تحقیقات درباره ساسانی، ترجمه کاظم کاظم زاده، تهران: انتشارات وزیری.
۵. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۳۷)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: انتشارات نقره.
۶. بیانی، خانبابا، (۱۳۴۷)، ایران جاویدان، تهران: شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.
۷. تاج بخش، احمد، (۱۳۸۲)، تاریخ مختصر تمدن و فرهنگ ایران قبل از اسلام، تهران: انتشارات یادواره کتاب.
۸. جلالی، ایرج، (۱۳۸۴)، ارتش ایران در عصر ساسانیان، چاپ اول. تهران: انتشارات ودیعت.
۹. حسن دوست، محمد، (۱۳۸۳)، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی (جلد اول)، به کوشش زیر نظر بهمن سرکارتی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار.
۱۰. حسن پور هفشجانی، مریم؛ کامرانی فر، احمد؛ ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۹۶). بررسی شکست ساسانیان در جنگ ذوقار با تکیه بر نظریه‌های جامعه‌شناسی جنگ، پژوهش‌های تاریخی، ۹(۲): ۱۰۵-۱۱۶.
۱۱. چگنی، علی؛ اعرابی هاشمی، شکوه السادات؛ بوشاسب گوشه، فیض الله. (۱۴۰۰). بررسی عوامل دینی شکست ساسانیان در مقابل اعراب مسلمان، فصلنامه تاریخ، ۱۲(۱۸): ۲۸۲-۳۰۲.
۱۲. خدادادیان، اردشیر؛ شعبانی، رضا؛ جلالی، ایرج، (۱۳۷۸)، ارتش ایران در عصر ساسانیان، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. داهیم، بهرام، (۱۳۹۰)، خسرو پرویز، چاپ نهم، تهران: انتشارات کلرینز.
۱۴. دریایی، تورج، (۱۴۰۰)، شاهنشاهی ساسانیان، ترجمه مرتضی ثاقب فر، چاپ دهم، تهران: انتشارات ققنوس.

۱۵. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، (۱۳۹۵)، اخبار الطوال. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. چاپ دهم، تهران: انتشارات نی.
۱۶. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، روزگاران «تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، تهران: سخن.
۱۷. -----، (۱۳۸۶)، تاریخ ایران «بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر.
۱۸. سون، تزو. (۱۳۶۴). هنر جنگ، ترجمه مهدی سمسار، تهران: انتشارات جامی.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۶۲)، تاریخ طبری، جلد دوم، ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات اساطیر.
۲۰. فرای، ریچارد، ن، (۱۳۶۳)، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: سروش.
۲۱. فرخ، کاوه، (۱۳۸۹)، سواره نظام زبده ارتش ساسانی، ترجمه بهنام محمد پناه، تهران: انتشارات سبزان.
۲۲. -----، (۱۳۹۳)، سواره نظام زبده ساسانی، ترجمه میثم علیئی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۳. -----، (۱۳۹۸)، ایران باستان در جنگ (سایه‌های صحرا)، ترجمه شهربانو صارمی، چاپ دوم، تهران: انتشارات ققنوس.
۲۴. فولادفرد، مسعود، (۱۳۸۹)، تاریخچه ارتش در ایران باستان، روزنامه رسالت، یکشنبه ۲۹ فروردین. شماره ۶۹۶۲.
۲۵. کاء، یحیی، (۱۳۹۵)، ارتش شاهنشاهی ایران از کوروش تا پهلوی، تهران: شورای ارتش جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران.
۲۶. کریستنسن، آرتور، (۱۳۷۸)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: نگاه.
۲۷. لوکونین، ولادیمیر، (۱۳۶۵)، تمدن ایران ساسانی. ترجمه عنایت ا.... رضا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. لوکونین، ولادیمیر، (۱۳۶۵)، تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت ا.... رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۹. محمدی ملایری، محمد، (۱۳۷۴)، فرهنگ ایران پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عرب، چاپ چهارم، تهران: انتشارات توس.
۳۰. مرسلپور، محسن؛ شعبانی مقدم، عادل، فروهی، آرمان، (۱۳۹۴)، تحلیل انتقادی روایات منابع پیرامون عملکرد رستم فرخزاد در نبرد قادسیه، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، ۷ (۲۵): ۱۶۱-۱۸۰.
۳۱. مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۷۴)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی .
۳۲. مشکور، محمد جواد، (۱۳۶۳)، ایران در عهد باستان در تاریخ اقوام و پادشاهان پیش از اسلام، تهران: اشرفی .
۳۳. مشکور، محمد جواد، (۱۳۸۸)، تاریخ سیاسی ساسانیان، جلد یک، چاپ سوم، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
۳۴. مقتدر، غلامحسین، (۱۳۸۹)، جنگ های هفتصد ساله ایران و روم، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
۳۵. ----- (۱۳۱۵)، جنگ های هفتصد ساله ایران و روم. تهران: انتشارات شجاعی .
۳۶. مقتدر، غلامحسین، (۱۳۲۰)، تاریخ نظامی ایران، چاپ سوم، تهران: نشر چاپخانه بهار.
۳۷. نژاد اکبری، مهربان، مریم، (۱۳۸۶)، شاهنشاهی ساسانیان، تهران: کتاب پارسه.
۳۸. نفیسی، سعید، (۱۳۸۸)، کتاب تاریخ تمدن ایران ساسانی. چاپ یکم، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
۳۹. نیکول، دیوید، (۱۳۹۵)، ارتش ایران ساسانی، ترجمه محمد آقاجری. چاپ دوم. تهران: انتشارات ققنوس
۴۰. ----- (۱۳۹۵)، ارتش ایران ساسانی، ترجمه محمد آقاجری، چاپ دوم، تهران: انتشارات ققنوس.
۴۱. هنرمند، بهمن، (۱۳۹۱)، نقش و کارکرد نیروهای کمکی در ارتش حکومت ساسانی، نشریه پژوهش نامه تاریخ. ۸ (۲۹): ۱۴۸-۱۶۹.